

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۱۵

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۳۰ بهمن ۱۳۹۲، ۱۹ فوریه ۲۰۱۴

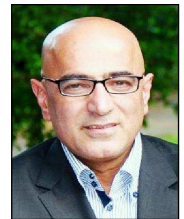
سردبیر عبدالکیریان

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

باج گیری جمهوری اسلامی از دختران ۹ ساله در مدارس



خوانندگان عزیز ایسکرا خوشحالم که از این پس، من یدی محمودی قرار است هر هفته خلاصه ای از اخبار مهم کردستان عراق را از این طریق به اطلاعتان برسانم. جا دارد همینجا از همه شما تقاضا کنم که هر خبر و گزارشی را از کردستان عراق دارید به ایمیل زیر برای من بفرستید تا بتوانیم با هم خوانندگان نشریه ایسکرا را از اخبار و گزارشان کردستان عراق مطلع کنیم.
Yadi.mahmodi@gmail.com
یدی محمودی
۱۴ فوریه ۲۰۱۴
صفحه ۷



نسان نودینیان

کارهایی که خداوند انجام آنها را از انسان خواسته) و محرمات (یعنی کارهایی که خداوند آنها را ممنوع کرده است)، میشود. از آنجا که مقررات الهی برای انسان، محدودیت ایجاد میکند و اجرای آن، بخصوص در آغاز بلوغ، دشوار است، به مقررات الهی تکلیف گفته میشود، وقتی انسان به سنی رسید که رعایت این مقررات بر او لازم شد، میگویند: به تکلیف رسید و مکلف شد. با اجرای این نوع مراسمها دامنه به انقیاد کشاندن دختران زیر تبع اسلام و تعصبات مذهبی را قانونی میکنند. جشن تکلیف يك اقدام ضد دختران ۹ ساله است. ازدواج در سن ۹ سالگی را مجاز مقررات شامل: واجبات (یعنی

در دین و آیین کثیف اسلام دختران ۹ ساله را به جشن تکلیف میبرند. به آنها میگویند جشن تکلیف "معنای واگذار کردن کاری دشوار به دیگری و در اصطلاح به معنای رسیدن پسر و دختر به سن بلوغ و رشد" است، باید مقررات الهی را بدقت رعایت کنند. این مقررات شامل: واجبات (یعنی

صفحه ۲

توهین صدا و سیما به مردم منتسب به بختیاری را محکوم میکنیم!



بختیاری بود. این توهین که در سریال ارتجاعی و تبلیغاتی رژیم با عنوان "سرزمین کهن" در شبکه ۳ صدا و سیما حکومت

در روزهای گذشته شهرهای مسجد سلیمان، اهواز و دزفول صحنه خشم و اعتراض مردم به صدا و سیمای جمهوری اسلامی بخاطر توهین به مردم منتسب به



صفحه ۲

این رفتار وقیحانه و فاشیسم عریان است.

صفحه ۳



نگاه هفته مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان نسان نودینیان

صفحه ۶

صفحه ۳

ما میتوانیم درهای استادبوم ها را در ایران به روی زنان باز کنیم! / فتنه

صفحه ۴

کشتن کارگران مرز توسط مأموران رژیم اسلامی و باجگیری نیروهای پ ک ک / شیرزاد

صفحه ۴

درخواست ده میلیون تومان از خانواده چهار کارگر مرزی در ارومیه

صفحه ۵

یادداشتی فیسوکی در مورد اعتراضات مردم استانهای جنوب ایران / محمد آستگران

صفحه ۸

بازار خرید و فروش کودکان کار / از سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

میکند. حجاب اجباری را تحمیل میکنند. ده ها آرزو و فانتازی دوران کودکی و بازی سالم و آزاد را از او میگیرند. و جنبه تلخ و آزار دهنده این کودک آزاری گرفتن پول از خانواده هایشان برای برگزاری این نوع مراسم کثیف اسلامی است! مدیران مدارس دخترانه شهرستان تکاب، دانش آموزان ۹ ساله را برای برگزاری مراسم جشن تکلیف مجبور

مذهبی هستند فوراً لغو شوند. ممنوعیت مراسم مذهبی خشونت آمیز و غیر انسانی. ممنوعیت هر نوع فعالیت، مراسم و ابراز وجود مذهبی که با آزادی ها و حقوق مدنی مردم و با اصل برابری همه مغایر باشد. ممنوعیت هر نوع ابراز وجود مذهبی که مخل آرامش و احساس امنیت مردم باشد. ممنوعیت هر نوع مراسم و رفتار مذهبی که با قوانین و مقررات مربوط به بهداشت و سلامت افراد

معیط زیست و قوانین مربوط به حمایت از حیوانات مغایر باشد. مصونیت کودکان و افراد زیر شانزده سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی. ممنوعیت جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی - . ممنوعیت راه و رسم های مذهبی، قومی، سنتی، محلی و غیره که با حقوق و برابری و آزادی مردم، اعم از جمعی و فرد، با برخورداری آنها از

کلیه حقوق مدنی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی که قانون به رسمیت شناخته است و با ابراز وجود آزادانه آنها در زندگی اجتماعی مغایر باشد. سن قانونی بلوغ جنسی برای زن و مرد ۱۵ سال است. رابطه جنسی افراد بزرگسال (بالای سن قانونی بلوغ)، با افراد زیر سن قانونی، ولو با رضایت آنها، ممنوع است و جرم محسوب میشود.

توهین صدا و سیما...

پخش شد بلافاصله به عکس العمل گسترده مردم در برخی شهرهای استان های جنوبی کشور منجر شد. طبق گزارشات منتشره، مردم معترض ضمن محکوم کردن صدا و سیما و مسئولین آن، به تعدادی از مراکز رژیم حمله کرده و آنها را به آتش کشیدند و تعدادی از مزدوران نیروی انتظامی را گوشمالی دادند. اعتراض مردم مقامات رژیم را به وحشت انداخت و کارگردان این سریال را به معذرت خواهی کشاند.

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی و ارگانهایش بخشی از مردم را مورد توهین قرار میدهند و هر بار با اعتراض بحق مردم مواجه میشوند. حزب کمونیست کارگری توهین به مردم توسط صدا و سیما حکومت را شدیداً محکوم میکند. حزب از همه مردم شریف شهرهای استانهای جنوب و سراسر کشور

دستگیری و شکنجه و اعدام مخالفین حکومت در این منطقه به شدت جریان دارد و مردم این منطقه حتی از آب و هوای سالم محروم شده اند و به اشکال مختلف به این اوضاع اعتراض میکنند. در چنین شرایطی پخش چنین سریال هائی تلاشی است برای ایجاد تفرقه میان مردم و سایه انداختن بر مبارزات متحدانه مردم این استان علیه

آلودگی هوا و مشکل آب، علیه گرانی و فقر و محرومیت، علیه نپرداختن دستمزد و بیکارسازی، علیه دستگیری و اعدام و سرکوب و علیه سایر محرومیت های عمیق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی. حزب همه مردم را فرامیخواند که از اعتراض بحق همدیگر حمایت کنند و هر ستم و سرکوب و تحقیری را به صحنه اتحاد و مبارزه متحد و

قدرتمند خود علیه حکومت نکبت اسلامی تبدیل کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد اتحاد و همبستگی
مردم علیه جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ بهمن ۱۹۹۲،
۱۵ فوریه ۲۰۱۴



کارگران میهن ندارند. ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم کارگری در تضادی آشکار و مطلق با هم قرار دارند، غیر قابل تلفیق و سازش با یکدیگرند. ناسیونالیسم یک ایدئولوژی بورژوازی است که مانع خود آگاهی طبقاتی و انترناسیونالیستی طبقه کارگر است.

کمونیسم برای از میان بردن مرزهای ملی و لغو هویت های ملی تلاش میکند. جامعه کمونیستی جامعه ای فاقد تفکیک ملی و کشوری انسانهاست.

ستم ملی، تبعیض بر مبنای انتساب انسانها به ملیتهای مختلف، یکی از جلوه ها و اشکال مهم نابرابری انسانها در جامعه طبقاتی است و باید برچیده شود. محو ستم ملی و تضمین برابری همه انسانها مستقل از تعلقات ملی یک هدف مستقیم جنبش کمونیستی طبقه کارگر است.

ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

[http://hekmat.public-archive.net/](http://hekmat.public-archive.net)

ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

از صفحه ۱ این رفتار وقیحانه...

روزانه از منبر و مسجد و رسانه و بلندگوهای تبلیغاتی اشان علیه افغانها رجز خوانی میکنند.

آپارتاید و رفتار فاشیستی آشکار، تبلیغات زهر آگین و بی احترامی و نقض وحشتناک حقوق انسانی سیاست رسمی حکومت اسلامی علیه شهروندان افغانستانی است. جامعه و روشنفکر و همسایه و همکار نیز در سکوت نظاره گر این رفتار هستند. به این وضع باید پایان دهیم.

همه شما روزانه در زندگی روزمره در ایران و در رسانه ها و میدیای اجتماعی با این

موضوعات روبرو هستید: فرماندار دماوند: "دماوند را از افغانها پاک کردم"، "اتباع افغانستانی اجازه حضور در پارک صفا اصفهان را ندارند"، "فروش مواد غذایی به اتباع غیر مجاز ممنوع شد!" "جمع آوری و اخراج هزاران پناهنده افغانستانی از ایران"، "حضور افغانها در این پارک ممنوع است و... و... و..."

چند روز پیش مهمان یکی از دوستان در شهر کلن آلمان بودم و یک خانواده افغانستانی که اکنون به آلمان پناهنده شده اند، را نیز آنجا ملاقات کردم. آنها ۱۱ سال ساکن ایران بوده و دو دختر زیبایشان در ایران متولد شده اند. مادر این دو

دختر عزیز به ما گفت که وقتی در مدرسه آلمانی از دخترانم میپرسند اهل کجا هستید، میگویند ما ایرانی هستیم. ولی نمیدانند که در ایران حکومت اسلامی ایران به این دو بچه شناسنامه هم نداده بود و اینها در ایران حتی در واقع به حساب نمی آمدند و وجود نداشتند. اینها اجازه نداشتند مدرسه بروند.

وقتی این زن جوان در مورد فقط گوشه ای از مشکلات خود در ایران حرف زد، همه ما کسانی که از ایران هستیم آنجا با بهت و حیرت و خجالت این خاطرات را گوش میدادیم. از اینکه وقتی در صف تمیید ویزا و اقامت در ایران میرفتند، اگر کسی از صف خارج میشد،

شلاق میخورد تا اینکه در هر جا کار میکردند، مورد اذیت و آزار و نیش زدن و تحقیر بوده و همواره مجبور بوده اند بسیار بیش از همکار ایرانی خود کار کنند. از اینکه در برخی مراکز و یا پارک ها و یا استخرها با این تیترو روبرو میشدند که ورود افغانی ممنوع و تا اینکه هر جا قتلی اتفاق می افتاد و ... فورا انگشت اتهام بسوی افغانستانها بوده و... و... و...

این رفتار بیشمارانه و غیر قابل تحمل است. حکومت اسلامی ایران وضعیت روشن است. ولی ما نباید سکوت کنیم. تصور کنید در هر کشور اروپایی و یا خارج از ایران که ساکن هستید چنین رفتاری با شما و فرزندان شما بکنند، آیا مردم مترقی همان کشور و

نهادهای ضد راسیستی آن کشورها، دنیا را روی سرشان نمیگذارند. چرا در مقابل این رفتار وحشیانه و غیر انسانی و فاشیستی حکومت اسلامی جنبشی وجود ندارد؟ چرا سکوت و چرا رد شدن از کنار این همه بیحرمتی و تحقیر. آیا وقتش نرسیده است مردم مترقی در ایران جوانان و همگان بر علیه این رفتار وحشیانه حکومت اسلامی اعتراضی عمومی سازمان دهند؟ بنظر من ما موظفیم کاری بکنیم. این رفتار وقیحانه و فاشیسم عریان است.

مینا احدی

۱۹ فوریه ۲۰۱۴

ما میتوانیم درهای استادیوم ها را در ایران به روی زنان باز کنیم! جمهوری اسلامی زیر فشار خرد کننده اعتراض است. اعتراض در داخل و در سطح بین المللی.



ورزشگاههای فوتبال مردان دارای ۱۷ خوبی و شش، هفت عیب است که با اندیشیدن تمهیداتی در زمینه ورود و خروج و محل استقرار آنان، می توان امکان حضور زنان را در استادیومهای فوتبال فراهم کرد. این آغاز یک عقب نشینی است که میتواند با گسترش اعتراضات ما منجر به باز شدن در استادیوم ها برای زنان شود و سیاست آپارتاید

سابق فدراسیون فوتبال و رییس کنونی کمیته فوتسال) از تقاضانامه ای خبر داده که توسط او و روسای سه فدراسیون والیبال، بسکتبال و هندبال برای آزادی ورود زنان به ورزشگاهها، به ویژه فوتبال تنظیم شده تا به نهاد رییس جمهوری حکومت اسلامی ارسال شود. به نوشته ایسنا خانم طاهریان گفته است که "حضور بانوان در

دو روز بعد از نشست نمایندگان فتنه (جنبش برای رهایی زن) و کمیته ندا دی با مسئولین بالای فیفا، خبر رسید که طاهره طاهریان، مشاور امور ورزش دختران و زنان در معاونت امور زنان و خانواده در نهاد ریاست جمهوری از مزایای! حضور زنان در ورزشگاهها از جمله استادیوم های فوتبال سخن گفته است. همزمان رضا افتخاری (دبیرکل

جنسی در این زمینه را عقب براند. ممنوعیت ورود زنان به استادیوم ها همواره یک موضوع جنگ و جدال زنان با حکومت ضد زن اسلامی بوده است. این اعتراضات باعث شده که اکنون فیفا (فدراسیون جهانی فوتبال) و همچنین کنفدراسیون فوتبال آسیا و همه مقامات فیفا به آن اعتراض کنند.

باید فشار را گسترش دهیم. باید رژیم اسلامی را وادار کنیم در آستانه هشت مارس و قبل از مسابقات جام جهانی فوتبال در برزیل این محدودیت را لغو کند. این امکان پذیر است.

فتنه (جنبش برای رهایی زن)
۱۸ فوریه ۲۰۱۴

باید فشار را گسترش دهیم. باید رژیم اسلامی را وادار کنیم در آستانه هشت مارس و قبل از مسابقات جام جهانی فوتبال در برزیل این محدودیت را لغو کند. این امکان پذیر است.

FITNAH

فتنه

آدرس پستی
 Marvay Namazie
 BNL BOX 1616 London WC1N1XX UK
 Email: fitnah_movement@gmail.com
 Blog: http://fitnahmovement.blogspot.co.uk
 Website: www.fitnah.org
 Facebook: www.facebook.com/fitnahmovement

مینا احدی ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
 کیوان جاوید ۰۰۴۴۷۸۶۱۴۷۶۸۶۹
 مریم نمازی ۰۰۴۴۷۷۱۹۱۶۶۷۳۱

کشتن کارگران مرز توسط ماموران رژیم اسلامی و باجگیری نیروهای پ ک ک



شیرزاد

همانطور که میدانیم کارگرانی که در نواحی مرزی غرب ایران زندگی می کنند و به کار انتقال کالا بر کول خود

یا با استفاده از اسبهایشان امرار معاش می کنند، در این راه سختی های زیادی را به جان میخرند که متأسفانه بارها انسانهای شریف و زحمتکش زیادی در این راه به وسیله شلیک مستقیم جنایتکاران خود را به جای زندگی آنها

قرار دادن بسیار سخت است. شاید کسی فکر کند که تنها کاری که می توان برای آنها کرد تاسف خوردن برای زندگی پر مشقتی است که بهشان تحمیل شده باشد. اما به نظر من و بنا به تجربه زندگی خودم، مشکل این کارگران به قتل و کشتار آنان توسط ماموران جمهوری اسلامی خلاصه نمی شود. این کارگران در مرزها باید از فیلتر پ.ک.ک هم عبور کنند. هر کدام از این کارگران از حقوق ناچیزی که به بهای جانشان دریافت میکنند، به بهانه این که از طرف آنها محافظت میشوند، ناچارند با آنان شریک شوند. چند نمونه از این گونه "محافظتها" یا در واقع این نوع باجگیری ها از سوی پ ک ک من به چشم خودم دیده ام که در ۳ الی ۴ کیلومتری آنها چندین جوان غرق در خون که به دست

جنایتکاران جمهوری اسلامی کشته شده و مال و اموالشان را به غارت برده و اسبهایشان را کشته اند مشاهده کرده ام. یادم هست در یک روز بارانی که از مرز رد می شدیم به یک نفر که داشت بدون حمل بار بر می گشت نزدیک شدیم، پرسیدم بار نداری؟ یا چشمانی پر از اشک و شرمی که از چهره اش پیدا بود گفت: "نیروهای پ.ک.ک اجازه نداده اند". پرسیدم چرا؟ گفت: "میگویند پدرت بسیجی است". هر چند بار اول نبود که این حرکت را ازشان دیده بودم. چند روز قبل از آن بخاطر درگیری با یکی از اهالی روستای "بیتوش" از توابع سردشت، همه اهالی این روستا به منطقه ای که تحت کنترل آنها بود ممنوع ورود شده بودند.

درخواست ده میلیون تومان از خانواده چهار کارگر مرزی در ارومیه

بنا به اخبار منتشر شده روز دوشنبه بیست و یکم بهمن ماه، جنازه چهار کارگر که در نواحی مرزی توسط نیروهای انتظامی رژیم اسلامی کشته شده بودند از طریق گمرک مرزی "سرو" در شهرستان ارومیه به زادگاهشان در منطقه "مرگور" منتقل شدند. نیروهای نظامی از خانواده آنان، درخواست

۱۰ میلیون تومان وجه نقد کردند. و اعلام کرده اند تا زمانی که بستگان آنان ۱۰ میلیون تومان وجه نقد را به حساب دولت واریز نکنند، اجازه ورود اجساد این کارگران به ایران داده نمی شود. این در حالی است که روز دوشنبه تا حوالی عصر از ورود جنازه این کارگران ممانعت بعمل آمد که بعدها با دخالت و اعتراض مردم، جنازه آنان به خانواده هایشان تحویل داده شد.

این چهار نفر روز جمعه یازدهم بهمن ماه در جریان انجام کار کولبری به روستای "گلیشه" در کردستان ترکیه رفته بودند که هنگام بازگشت



از: فاخر شینودکان فرزند احمد و شاکر شینودکان فرزند احمد از اهالی روستای "گسیان" و آدم گردی پور فرزند مصطفی ساکن روستای "شیخ زرد" و خبات شینوزاد فرزند اسماعیل ساکن روستای "دیزج" مرگور می باشد که در هنگام کولبری بر اثر سقوط بهمن جان خود را از دست دادند.

نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران برای تحویل جنازه هر کدام از این کولبران درخواست ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان نموده بودند، اما بعدها با میانجیگری مردم به دلیل بی بضاعتی و تنگدستی خانواده این کولبران، وجه مورد نظر از آنها دریافت نگردید. هویت این چهار شهروند عبارتند

یادداشت‌های فیسبویی در مورد اعتراضات مردم استانهای جنوب ایران



محمد آسنگران

اعتراضات مردم به سریال توهین آمیز صدا و سیما جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد.

یک سریال تلویزیونی توهین آمیز به اسم "سرزمین کهن" از یکی از شبکه‌های صدا و سیما پخش شد. در این سریال مردم بختیاری خیانتکار و عامل انگلیس معرفی میشوند. صدا و سیما چنان القا میکند که مردم بختیاری افراد خیانتکاری هستند که به ایران خیانت کرده‌اند. این موضوع اعتراضات زیادی را دامن زده است.

مردم خواهان استعفای ضرغامی رئیس صدا و سیما جمهوری اسلامی شده‌اند. توهین و دامن زدن به تفرقه قومی از جانب صدا و سیما محکوم است. مردم بختیاری به درست عامل این تفرقه‌ها را رژیم میدانند و خواهان معذرت‌خواهی صدا و سیما و استعفای ضرغامی شده‌اند. در این موارد حساس لازم است همه مردم ایران متحدانه علیه حکومت به میدان بیایند و اجازه تفرقه قومی به حکومت و دارو دسته‌های قومپرست ندهند.

در پاسخ به یکی از کاربران فیسبوک:

هر تحلیلی از چپ و کمونیسم و... داشته باشیم و هر توقعی که از مبارزات مردم وجود داشته باشد میتواند مورد بحث باشد و مباحثه حول آنها جا دارد. اما اگر ضعفی هم در این اعتراضات دیده شود نباید مردم را مقصر قلمداد کرد. مردم حق دارند علیه یک حکومت غدار و بیرحم و حکومتی که عامل اصلی تفرقه است به میدان بیایند. در ضمن نباید انتظار داشت مردم بر اساس الگوهای ذهنی این و آن اعتراض خود را سازمان بدهند. اعتراض و انقلاب مردم نقطه شروعش را الزاما و همیشه نمیتوان تعیین کرد. مردم تونس بر اثر یک جرقه خود کشی که کارگر بیکار و دستفروشی خود را کشت اتفاق افتاد. انقلاب اکتبر در متن شکستهای پی در پی سربازان تزار در مقابل قوای آلمان اتفاق افتاد. مردم روسیه صلح و زمین و نان را شعار خود کردند و انقلاب کردند. در پاریس مردم بی‌لیاقتی دولت وقت را در مقابل ارتش آلمان دیدند و خود فرماندهی دفاع از شهر پاریس را به عهده گرفتند و کمون پاریس را شکل دادند و....

دهها نمونه دیگر هست که اتفاقات معینی به دلایل مختلفی جامعه را تکان داده است. البته این حرکت مردم در استانهای جنوبی ایران قابل مقایسه با هیچکدام از مثالهای فوق نیست. فقط اینها را گفتم که معلوم باشد نه تنها این اعتراضات بلکه هر انقلاب مهمی

هم بر اساس الگوهای این و آن اتفاق نیفتاده است و نیافتد.

در کردستان هم بعد از کشتن یک جوان به اسم شوانه قادری در مهاباد اعتراضات و اعتصاب عمومی راه افتاد. چند سال بعد در جریان اعدام فرزند کمانگر و رفقایاش این اعتصاب عمومی در کردستان تکرار شد. اما صدها نمونه شبیه و بزرگتر از اینها (کشته شدن شوانه قادری و اعدام فرزند کمانگر و رفقایاش) قبلا و بعدا هم در کردستان اتفاق افتاده و اعتصابی رخ نداده است.

یک مجموعه شرایط باعث میشود حرکتی توده‌ای راه بیفتد. اینجا مردم مقصر نیستند. که چرا اینجا اعتراض شده و جای دیگری که مسایل مهمتری وجود داشته اتفاقی نیفتاده است و...

اما اینکه باید هشیار بود باید علیه تفرقه قومی بود و باید این اعتراضات را در جهت درست پیش برد این کاری است که باید کرد و تلاش چپ جامعه و کمونیستها هم این است. اما نباید قصاص قبل از جنایت کرد. اول باید برادری را ثابت کنید و حق را به مردم بدهید. تازه بعد از این میتوانید نقش خودت را به محک آزمایش بزنید. جامعه برای بیان اعتراضش منتظر هیچ کسی نمیشود.

دوستانی از حق آزادی بیان حرف زده‌اند که گویا مردم بختیاری را خائن قلمداد کردن آزادی بیان است. من آزادی بیان برای جمهوری اسلامی را نمیفهمم. صدا و سیما ارگان یک دولت است. دفاع از آزادی

بیان یک ارگان دولتی مانند صدا و سیما نقض غرض است. در ضمن این کدام آزادی بیان است که نه یک فرد و یا چند فرد بلکه یک بخش از مردم ایران و میلیونها انسان شریف آن جامعه را تحت عنوان بختیاری خائن و عامل انگلیس میدانند. این ایجاد و دامن زدن به تفرقه قومی است نه آزادی بیان. اعتراض علیه این سیاست تفرقه افکنانه حق هر کسی است. لازم نیست چپ و کمونیست باشید تا علیه تفرقه قومی موضع داشته باشید.

کسانی ظاهرا برای اینکه علیه تفرقه قومی هستند چند میلیون آدم را مقصر میدانند و حرکتشان را ارتجاعی مینامند؟! اما یک رژیم که تفرقه قومی را دامن میزند آزادی بیان میدانند. آزادی بیان همیشه رابطه دولت و شهروندان است نه برعکس. این دولت است باید آزادی بیان همه شهروندان و مخالفین را تضمین کند. مردم میگویند به ما توهین نکنید. اتهام نزنید. چهره این میلیونها انسانرا تحت عنوان بختیاری خراب نکنید و آنها را خائن و جاسوس و.... معرفی نکنید. کسی که در این کار مسئولیت دارد ضرغامی است و مردم میگویند باید استعفا بدهد.

اینجا بحث انقلاب نیست بحث یک موضوع مشخص و یک اعتراض معین است. قرار نیست هر حرکتی به انقلاب منجر بشود. نتیجه این اعتراض اگر این بشود که ادامه آن سریال را متوقف کنند و مردم به قدرت خود پی ببرند کافی است که بگویید موفق شدند. ادامه این اعتراض بعدا چی میشود معلوم

نیست باید دید. جهت اطلاع خوانندگان باید بگویم که سپاه پاسداران از طریق "موسسه موج" همین حالا مشغول تهیه چندین سریال تلویزیونی است. همه آنها هدف دار تهیه میشوند. قرار است سپاه تلویزیونی تحت عنوان "عصر" راه اندازی کند که هدفش بیان سیاستهای رژیم و تبلیغ فرهنگی است که هم ایجاد تفرقه بکند و هم کمک کند که رژیم را سر پا نگهدارد. در عین حال باید هشیار بود و علیه جریانات قومی در میان مردم هم حرف زد. مردم ایران به هر بهانه ای علیه این رژیم اقدامی توده ای سازمان بدهند مهم است. مگر اینکه خواستی ارتجاعی داشته باشی. به بختیاریها توهین نکنید حق اولیه مردم است کجایش ارتجاعی است.

در ضمن کسانی مخالفت با گروه تروریستی "جیش العدل" را مثال زده‌اند که آنها هم علیه رژیم هستند اما ارتجاعی و تروریست هستند. پاسخ من به این دوستان این است چه رابطه بین یک گروه تروریست اسلامی در بلوچستان و میلیونها مردم منتسب به بختیاری هست که آنها را مقایسه کرده‌اید. چرا توهین به زن، توهین به کودک، توهین به مردم در کردستان و تهران و.... مجاز نیست، اما توهین به مردم بختیاری آزادی بیان قلمداد میشود. اینها اشکالات مهمی هستند باید مد نظر قرار داد. مردم بختیاری و یا هر بخش از مردم ایران حق دارند علیه این رژیم به میدان بیایند و به توهین کنندگان افسار بزنند.

حزب کمونیست کارگری نماینده آرزوها و خواستهای پایمال شده مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری حزب میلیونها کارگری است که کار میکنند و خود از نعماتی که خود ساخته‌اند محرومند! حزب کمونیست کارگری صدای همه مردمی است که آرزوهای ساده و انسانی شان سرکوب شده است! این حزب صدای میلیونها کارگر و جوان و بیکاری است که بازار سرمایه آنها را وا زده است و اسیر بیکاری و فقر و محرومیت شده‌اند. صدای کودکان محروم شده از شادی و تحصیل، صدای زنانی که فقر و محرومیت آنها را به تن فروشی ناچار میکنند، صدای جوانانی که در اوان زندگی از شادی و رفاه و آزادی محروم میشوند. صدای آنهایی که اعدام شده‌اند و دیگر صدایی ندارند!

به حزب کمونیست کارگری پیوندید. دست در دست هم جامعه‌ای بسازیم که در آن اعدام و زندان معنایی نخواهد داشت. هیچ کس از تحصیل و مسکن و دارو و درمان محروم نخواهد بود. آزادی بی قید و شرط است و همه مردم از طریق شوراهایشان قانون گزار و تصمیم گیرنده و اختیار دار جامعه خواهند بود. جامعه سوسیالیستی! که به تاریخ نوحش و بهره‌کشی و جنایت و سرکوب اقلیت مفتخور مهر پایان خواهد کوید!

نگاه هفته ...

خودسوزی یک دختر ۱۹ ساله از توابع آران سردشت.

متأسفانه یک دختر جوان ۱۹ ساله به اسم (رازواه) اقدام به خودسوزی کرد و بعد از ۲ هفته بستری در بیمارستان تبریز جان عزیزش را از دست داد. رازواه ۱۹ ساله دختر کاک همزه که اهل روستای دیناران آران سردشت بود، مدتی با یکی از فامیل‌های نزدیک خودش ازدواج می‌کند و به زندگی اش ادامه می‌دهد، اما متأسفانه در سنین نوجوانی اقدام به خودسوزی می‌کند که بدلیل وخیم بودن سوختگی بدنش، یک هفته قبل جانش را از دست می‌دهد. رازواه جزو خانواده بسیار شریف و زحمتکش کاک همزه بود و خانواده شوهرش نیز به همین شکل و و هر دو این خانواده از جو و فضای کهن و عقب مانده فاصله داشتند اما متأسفانه به مشکلات این دختر جوان رسیدگی نشده بود و برای حل مشکلات ایشان دیر جنیبیدند. از گفته‌ها پیداست که رازواه و شوهرش با هم مشکلاتی داشته‌اند، از طرف دیگری هم شنیده شده بود که آنها مشکلات جدی نداشته‌اند، اما در هر صورت رازواه تصمیم به اقدامی زد که نمیبایستی صورت می‌گرفت و میبایستی جلوی آن گرفته میشد. لازم به ذکر است که در ۴،۵ روز گذشته مردم زیادی از شهر سردشت و روستاهای آران سردشت برای ابراز تأسف و همدردی به خانه کاک همزه سر می‌زنند و این خبر بسیار دردناکی بود که همه را شوکه کرده بود. متأسفانه در جامعه ایران و کردستان بارها شاهد چنین تراژدی دلخراشی بوده ایم که انسانها و خصوصاً زنان در اثر مشکلات حاد جامعه به چنین اقداماتی دست زده‌اند که میشد جلوی آنها گرفته شود. پیشر و علی پور.

اطلاعیه شماره ۴ کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد - آزادی و وفای قادری را تریک می‌گوییم

روز یکشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۲ وفای قادری فعال نام‌آشنای جنبش طبقه کارگر و از اعضا کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری پس از تحمل سه

و ماه و نیم حبس از زندان آزاد شد و مورد استقبال گرم تعداد کثیری از کارگران و فعالین کارگری در شهر سنندج قرار گرفت. وفای قادری کارگر کارخانه شین بافت شهر سنندج است که به جرم عضویت در کمیته هماهنگی و دفاع از ابتدائی‌ترین خواست و مطالبات کارگران دستگیر و زندانی شده بود. بدون شک ایجاد این گونه فشارها صرفاً به این دلیل است که میان کارگران و دیگر افشار تحت ستم و استثمار جامعه هراس و وحشت ایجاد نمایند و آنان را از پیگیری خواست‌ها و مطالبات برحقشان باز دارند. صاحبان صنایع و سرمایه و محافظان آن‌ها با تمام توانشان تلاش می‌کنند که ما کارگران تشکل درست نکنیم، آن‌ها به تشکل‌ها و تجمعات ما حمله می‌کنند، دستگیرمان می‌کنند تحویل دادگاه می‌دهند، احکام زندان و شلاق برایمان صادر می‌کنند. کارگران و توده‌های رنج کشیده و محروم جامعه و فعالان این عرصه‌ها بارها گفته‌اند و با عزم راسخشان نشان داده‌اند که: سرمایه داران و عوامل آنان با این گونه صدور احکام سنگین زندان برای کارگران و فعالین کارگری قادر نخواهند بود که جنبش حق طلبانه طبقه‌ای را که برای حق و عدالت می‌جنگد خاموش کنند و به طاق نسیان و فراموشی بسپارند. مبارزات جنبش طبقه کارگر با این قبیل اعمال خاموش نمی‌شود. مبارزات این طبقه با موجودیت و بقاء این نظام گره خورده است و بدون شک تا زمانی که آن ساختار و آن نظام باقی است این مبارزه و این فعالیت‌ها نیز باقی می‌ماند و ادامه خواهد یافت. کارگران و فعالین دریند و محاکمه شده، جز دفاع از دوستان هم طبقه‌ای خود هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند. آنها به دلیل تلاش برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری که بتواند در هر شرایطی نماینده و مدافع آنها باشد، بازداشت شده‌اند. ما آزادی و وفای قادری را صمیمانه تریک می‌گوییم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران و فعالین کارگری دریند هستیم.

پیام تریک به مناسبت آزادی و وفای قادری!

طبق خبر مندرج در سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری روز یکشنبه بیست و هفتم بهمن ماه وفای قادری فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری پس از تحمل سه ماه و نیم حبس در زندان مرکزی سنندج آزاد شد. کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن تبریک به مناسبت آزادی این فعال خوشنام جنبش کارگری زندانی کردن فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی در شهر مهاباد را محکوم کرده و خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی کارگران و فعالین کارگری زندانی است! بیست و هشتم بهمن ماه ۱۳۹۲ کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

وفای قادری آزاد شد

روز یکشنبه ۲۷/۱۱/۹۲ وفای قادری فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری پس از تحمل سه ماه و نیم حبس در زندان مرکزی سنندج آزاد گردید. آزادی وی با استقبال گرم تعداد کثیری از کارگران و فعالین کارگری شهر سنندج همراه بود. حاضرین ابتدا با آزاد نمودن تعدادی کبوتربه طور نمادین حمایت خود را از آزادی بدون قید و شرط تمامی انسان‌ها اعلام و سپس با مشایعت و همراهی وفای قادری تا منزل ایشان، اقدام به برگزاری مراسمی در گرامی داشت آزادی وی نمودند. در این مراسم حاضرین با برافراشتن پلاکاردهایی در حمایت از مواضع جنبش کارگری و فعالین عرصه‌ی مبارزات کارگری، نهایت سپاس و قدردانی خود را از وفای قادری و دیگر فعالین کارگری دریند اعلام کرده و خواستار آزادی آنان در اسرع وقت شدند. کمیته هماهنگی ضمن شادباش آزادی و وفای قادری به خانواده‌ی وی و همچنین طبقه‌ی کارگر ایران، خواهان پایان بخشیدن به احضار و زندانی نمودن کارگران و فعالین کارگری و پیشروان این طبقه بوده، و آزادی بدون قید و شرط دیگر فعالین عرصه‌های اجتماعی را در اسرع وقت خواستار می‌باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد

تشکل‌های کارگری

صلاح‌الین ۲۸ ساله هم در مرز گشته شد!

نیروه‌های نظامی ایران با تیراندازی به یک کولبر به نام صلاح‌الدین بروکی فرزند عیسی را به قتل رساندند. این کولبر ۲۸ ساله از اهالی روستای "ناور" از توابع شهرستان چالدران می‌باشد. صلاح‌الین متاهل و دارای سه فرزند می‌باشد که هنگام بازگشت از مرز مورد تیراندازی نیروهای نظامی ایران قرار گرفته و در نتیجه جان خود را از دست داد.

مستانه رشیدی طلب (۱۹ ساله) از طریق حلق آویز نمودن با طناب دار خودکشی کرد. مستانه رشیدی دانشی آموز مقطع دبیرستان و فرزند رحمان رشیدی است.

مرگ مشکوک زندانی

یکی از زندانیان زندان مرکزی بوکان به نام سامان دادرز فرزند محمد به دلایل نامعلومی جان خود را از دست داد. سامان دادرز متاهل و ساکن شهر بوکان است که روز چهارشنبه بیست و سوم بهمن ماه، جسد وی پس از سه روز نگهداری در پزشکی قانونی این شهر به خانواده‌ی وی تحویل داده شد و به خاک سپرده شد. سامان دادرز به مدت ۱۲ سال در زندان بوده که پس از ۵ سال نگهداری در زندان شهر بوکان، روز دوشنبه هفته گذشته به "طرز مشکوکی" جان خود را از دست داد. "پزشکی قانونی شهر بوکان به بهانه اینکه تاکنون دلیل اصلی مرگ سامان دادرز معلوم نشده، از ارائه گزارش به خانواده وی خودداری می‌کند.

بی‌حرمتی به دانشجویان!

یکی از دانشجویان دانشگاه پیام‌نور سنندج گفت؛ آن دسته از دانشجویان و انجمن‌های دانشجویی که خواهان رسیدگی به کم و کاستی‌های داخل دانشگاه هستند نه تنها از سوی مسئولین جوابی دریافت نمی‌کنند بلکه با "الفاظ رکیک مورد بی‌حرمتی" قرار می‌گیرند. نزدیک به ۱ سال است که سالن غذاخوری دانشگاه را تخریب کرده‌اند و طی این مدت دانشجویان از سلف غذاخوری محروم بوده‌اند.

ذفعلیات‌های ادبی و فرهنگی در دانشگاه پیام‌نور سنندج بیش از حد محدود شده و تلاش برای کسب مجوز نشریه با مخالفت شدید حراست دانشگاه روبرو می‌شود. "در بیشتر شهرهای کردستان ده‌ها دانشجو به منظور ادامه تحصیل به دانشگاه پیام‌نور سنندج مراجعه کرده‌اند و این دانشگاه از داشتن خوابگاه محروم بوده و ا روی ناچاری در خانه‌های اجاره‌ای زندگی می‌کنند."

مصطفی عبدال بگ فرزند جلیل بر اثر انفجار مین، بگ پای خود را از دست داد.

انفجار مین در نزدیکی پاسگاه نظامی متعلق به سپاه روی داده است. "مصطفی عبدال بگ چهل ساله به دلیل شدت جراحات ناشی از انفجار مین، علاوه بر قطع عضو، از ناحیه چشم نیز دچار نابینایی گشته و هم‌اکنون در مراکز درمانی شهر ارومیه تحت مراقبت‌های پزشکی می‌باشد.

۳۵ سال زندان

شعبه یکم دادگاه انقلاب شهر ارومیه به ریاست قاضی "چابک" حکم زندان عثمان مصطفی‌پور را به ۳۵ سال حبس تعزیری تغییر داد. عثمان مصطفی‌پور در ۲۲ سال گذشته بدون مرخصی بوده است عثمان مصطفی‌پور اهل پیرانشهر می‌باشد و ۲۲ سال و ۵ ماه گذشته را در زندان‌های ایران بدون مرخصی سپری کرده است. در سال ۱۳۷۰ در منطقه‌ی "ترگور" ارومیه بازداشت و بعدها به اتهام "عضویت در یکی از احزاب کرد اپوزیسیون" حکومت اسلامی ایران به ۲۵ سال زندان تعزیری محکوم شده بود.

سفر؛ فساد مالی ۳۰ میلیارد تومانی

با شکایت پیمانکاران شهرداری سقز از مسئولان شهرداری، فساد مالی سی میلیارد تومانی در این شهرداری آشکار و دست داشتن سه معاون بخش‌های مختلف این اداره محرز گردیده است. معاون بخش خدمات شهری، معاون بخش اداری و معاون بخش عمران از مسئولان شهرداری سقز می‌باشند که در این اختلاس مالی "دست داشته‌اند. کشور ایران در رتبه سالانه بنگاه

از صفحه ۶

نگاه هفته ...

شفافیت بین‌المللی، در رتبه ۱۳۳ جای گرفته است.

بانه؛ دو جوان بر اثر گاز گرفتگی جان سپردند

این دو جوان (حمید بهرامی ۲۳ ساله فرزند امین‌الله و حسین علی میرزایی ۲۶ ساله فرزند محمد) به منظور امرار معاش از مناطق اطراف مشهد به شهر مرزی بانه آمده‌اند و یک منزل مسکونی را به اجاره گرفته بودند. "شهر بانه به سبب هم‌مرز بودن با اقلیم کردستان عراق به یکی از شهرهای تجاری کردستان ایران مبدل گشته و شهروندان از دیگر مناطق ایران جهت کاسبی و امرار معاش به این شهر مهاجرت می‌کنند. ۲۶ بهمن

۱۳۹۲- پدر و مادر انور حسین پناهی فعال مدنی به اداره اطلاعات شهرستان دهگلان احضار شدند و به مدت چندین ساعت مورد بازجویی و تهدید بازجویان این نهاد امنیتی قرار گرفتند. ماموران امنیتی وزارت اطلاعات پیش‌تر در یک اقدام غیر انسانی، حساب‌های بانکی این خانواده را قبلاً مسدود کرده بودند و بالغ بر ۱۰ میلیون تومان وجه واریزی یکی از فرزندان این خانواده که به منظور کمک معاش پدر و مادر سالخورده به حساب آنها واریز شده بود را مصادره کردند. خانواده حسین‌پناهی می‌گویند که هدف از انجام اینگونه اقدامات غیر انسانی، تشدید فشارها به‌خصوص از لحاظ مالی علیه خانواده‌های فعالان و

زندانیان سیاسی می‌باشد. حسین پناهی: دیروز برای چندمین بار پدر و مادر سالخورده‌ام به اداره اطلاعات شهر دهگلان احضار شدند و مورد تهدید و فشار ماموران این اداره قرار گرفتند. آنها تهدید کرده‌اند که اگر بیش از این جهت پس گرفتن وجه واریزی مصادره شده، به این اداره مراجعه کنند، دو پسر دیگرشان را بزداشت کرده و تمام اموالتان را نیز مصادره خواهیم کرد. خانواده حسین‌پناهی، در چند سال اخیر با نوشتن نامه‌هایی به احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران، سازمان دیده بان حقوق بشر، سازمان گزارشگران بدون مرز و دیگر نهادهای حقوق بشری خواهان تلاش این نهادها برای توقف فشار نهادهای امنیتی بر این خانواده

شده‌اند. این خانواده اخیراً با نوشتن نامه‌ای دیگر به احمد شهید نوشته‌اند که در آخرین اقدام علیه این خانواده در چند ماه گذشته، مبلغی وجه واریزی که یکی از فرزندان این خانواده به عنوان کمک معاش به حساب خانواده‌اش واریز کرده بود، از سوی ماموران امنیتی وزارت اطلاعات مصادره و حساب آن‌ها نیز مسدود شد. یکی دیگر از اعضای این خانواده به نام اشرف حسین‌پناهی ۳ سال پیش برای اثبات بی‌گناهی برادرش، همراه با مدارک و طوماری بالغ بر ۵۰۰۰ امضا، عازم تهران بود که به طرز مشکوکی به قتل رسید.

جلال فرزند حاج قادر را از ناحیه سر هدف گلوله قرار دادند.

حادثه شامگاه روز یک‌شنبه،

بیست و هفتم بهمن‌ماه در نزدیکی روستای "انجینه" از توابع دهستان "بوالحسن" روی داده است. جلال همراه خانواده‌ای در حال عزیمت به یکی از روستاهای مرزی بانه جهت دیدار با آشنایان بودند که خودروی حامل آنها مورد شلیک مستقیم نظامیان حکومتی قرار گرفت. گفته می‌شود، شلیک به وی بدون "اخطار قبلی" و "دستور ایست" بوده است.

بانه تیراندازی بطرف جلال

روز شانزدهم ماه جاری نیز در مرز بانه و در روستای "چومان" احمد فرزند جلال مورد تیراندازی نظامیان هنگ مرزی قرار گرفته و به شدت زخمی شده بود.

از صفحه ۱

اخبار هفتگی ...

جنگ جناح‌های میان اتحادیه میهنی همچنان ادامه دارد و علنی تر می‌شود!!

جنگ جناح‌های میان اتحادیه میهنی که عبارتند از کوسرت رسول علی، به ره م صالح و هیرو ابراهیم برای توافق بر سر کنگره و جلسات دفتر سیاسی این حزب به اوج خود رسیده. در چند هفته گذشته چندین اطلاعات مختلف از طرف این جناحها منتشر شده و هر یک به شیوه ای تلاش می‌کنند که مسولیت اختلافات داخلیشان را به گردن دیگری بگذارند. لازم به ذکر است که بعد از غیبت طولانی جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی بدلیل

حزب گوران (تغییر) را به عهده دارد به دومین حزب پارلمانی رسید. کردستان عراق کشتارگاه زنان! طبق آماري که سازمان ملل انتشار داده از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ در کردستان عراق و تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست کورد، ۴۰۰۰ هزار زن کشته شده‌اند، بدون اینکه هیچکس از قاتلین زنان مجازات و یا محاکمه شوند. همچنین طبق آمار دیگری که از طرف نهاد مبارزه علیه بی‌حقوقی زنان انتشار یافته آمده است که، از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳، یعنی در پنج سال جنایات زیر علیه زنان ثبت شده‌اند.

۴۹۴ زن کشته شده‌اند و یا خودکشی کرده‌اند، ۲۰۳۱ زن سوزانده شده‌اند و یا دست به خود سوزی زده‌اند، ۱۶۱۹۱ شکایت علیه فشار و اذیت و آزار زنان ثبت شده، ۲۹۹۸ زن شکنجه شده‌اند و همچنین ۶۴۱ مورد تجاوز جنسی به زنان ثبت شده.

شکایت نامه سه زندانی در شهر اربیل در باره شکنجه و تجاوز در زندان

سه زندانی زندان محطه شهر اربیل در نامه‌ای افشا کرده‌اند که هنگام بازداشت و شکنجه آنها توسط مقامات زندان اربیل برای اعتراف‌گیری به همسر یکی از آنها تجاوز شده.

این زندانیان در روز سوم فبیریه نامه خود را منتشر می‌کنند و اعلام کرده‌اند که تمام اعترافات آنها بر اساس شکنجه بوده و اعتباری ندارد، لازم به ذکر است که گروه مستقل حقوق بشر در کردستان عراق به دنبال این خبر با هر سه زندانی ملاقات می‌کند و خبر شکنجه و تجاوز به همسر یکی از این زندانیان را تأیید می‌کند. چندی پیش هم در زندان سلیمانیه یک زندانی خودکشی می‌کند.

خبر این جنایت تکان دهنده تنها گوشه کوچکی از فشار، شکنجه و اذیت و آزار زندانیان

توسط مقامات احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق است، آنها زندانهای مخوفی را ایجاد کرده‌اند که مردم می‌گویند جنایت این احزاب در زندانها به مراتب وحشیانه‌تر از حکومت سرنگونه شده فاشیست بعث عراق است.

بعد از پنج ماه از انتخابات پارلمانی در کردستان عراق، به دلیل اختلافات هنوز دولت تشکیل نشده!!

در روز ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۳ هشتمین انتخابات پارلمانی کردستان عراق در میان اعتراض

وسیع مردم به حاکمیت ۲۳ ساله احزاب ناسیونالیست کرد و دزدی و چپاول آنها، از جمله اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق برگزار شد. بعد از این انتخابات که در آن گویا حزب دمکرات بیشترین رأی را آورده و قرار بود مسول تشکیل حکومت شود، اما به دلیل اختلافات میان احزاب پارلمانی عملاً تا امروز تشکیل دولت و کابینه دولت به تعویق افتاده و حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی تقریباً تمام امور را در دست خود گرفته.

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده‌اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده‌اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سرفه‌هایشان تماماً خالی شده است. سالها استثمارمان کرده‌اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان‌ها کرده‌اند. ثروت‌های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده‌اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده‌اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده‌اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته‌اند. دادگاه و زندان ساخته‌اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه‌های سنگین محکوم کرده‌اند.

گله‌آخوند تربیت کرده‌اند که خرافه‌رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه‌هایشان مدام دروغ می‌گویند و وعده‌های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست‌ها بترسانند تا سرمایه‌داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف‌شان را باور نکنیم. تا سرمایه‌داری و دولت سرمایه‌داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه‌داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه‌داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه‌داری و دولت دزد سرمایه‌داران!

زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

بازار خرید و فروش کودکان کار

این گزارش شروعی ندارد. «مشتری دارد، او را تا دو و نیم میلیون تومان می‌خرند. برای چه تحویل شما بدهم؟» راحله سیزده سالش است،

به گزارش عرش نیوز مادر مواد فروشش در زندان است و برادرش سرپرستی او را به عهده دارد. راحله شناسنامه ندارد. برادرش نمی‌خواهد او را تحویل موسسه خیریه دهد. «دو میلیون بده بچه را ببر هر جا که خواستی» این گزارش نیست، روایت نبض کند کودکانی است که هر روز آنها را سر چهارراه‌ها یا مترو می‌بینیم. نه می‌توانند بخوانند نه می‌توانند بنویسند، تنها چیزی که از همان ابتدا آموزش دیده‌اند کار کردن است. آنها از صبح کار می‌کنند تا شب پدر و مادرهای جعلی یا پدر و مادرهای خودشان با خیال راحت مواد بکشند. کارگرانی که اگر خوب کار کنند، خریداران فراوانی دارند. قیمت این کودکان برده را می‌پرسم: «از صد هزار تا پنج میلیون».

بردگی به جای عاشقی

اینجا دروازه غار است، ناف تهران. سوار مترو که شوی، کمتر از یک ساعت به ایستگاه شوش می‌رسی و چند قدم پیاده که بیایی جایی سردمی‌آوری که انسانیت دود شده و به هوا رفته است. صبح‌ها خلوت و شب‌ها از زمین بچه می‌جوشد. نه عاشق می‌شوند نه کودکی می‌کنند. وقتی به سن دوازده، سیزده سالگی می‌رسند باید ازدواج کنند و بچه دار شوند، این چرخه زندگی کودکان برده است. راه دیگری مقابل پای آنها نیست، فکر می‌کنند حتما این صحیح‌ترین راه است. آنها را غربیتی صدا می‌زنند. از لب خط تا دروازه غار خانه‌هایی را می‌بینی با حیاط‌هایی بزرگ و هشتی و اندرونی و بیرونی، در تمام این اتاق‌ها خانواده‌هایی زندگی می‌کنند با چند بچه. هر بچه سرمایه‌ی برای خانواده، برای این والدین فرزند بیشتر، زندگی بهتر است. مواد بیشتر است. نشکگی

خشک شده است، بوی زباله می‌آید. دیوار سفید بزرگی دور جایی شبیه به میسدان را گرفته است، از سوختگی‌های کنارش می‌توان فهمید که اینجا خوابگاه کارتن‌خواب‌هاست، یکی از آنها در میان زباله‌ها به ظرف برنجی می‌رسد و آهسته آهسته شروع به خوردن آن می‌کند.

فروش کودک به هر قیمتی

غربتی‌ها گروهی هستند که اصل خرید و فروش بچه‌ها متعلق به این گروه است. گروه‌های دیگر سعی می‌کنند که بیشتر بچه‌دار شوند تا پول بیشتری به چنگ بیاورند. مادری فرزند خود را یک و نیم میلیون تومان فروخته است. هنگامی که باردار بوده، بیمارستان نرفته زیرا قرار این بوده است که به محض اینکه بچه‌دار شد، باید او را به خریدار بدهد. «نمی‌خواستی بچه‌ات را ننگه داری؟ چرا اما به پولش نیاز داشتم.» تمام مکالمه همین قدر طول می‌کشد، آنقدر مطمئن پاسخ می‌دهد که دیگر جای سوالی باقی نمی‌گذارد. بین خودشان و بچه، همیشه خودشان را انتخاب می‌کنند. مادر دیگری قرار بوده با فروش بچه به قیمت دویست هزار تومان لااقل خرج چند شبش را به دست آورد. زمانی که او تازه مواد مصرف کرده بوده، خریدار می‌آید و بچه را می‌برد، نه پولی پرداخت می‌شود نه مادر چیزی یادش می‌آید. همه زندگی‌شان در پایبندی شیشه‌یی خلاصه شده. پاپ‌هنوز در دستش هست. در حیاط خانه چند کودک بازی می‌کنند، کارگرانی که منتظر مشتری هستند، زمین یخ‌زده و آب سیاهی آنجا جریان دارد، بچه‌ها روی آنها سر می‌خورند و می‌خندند.

یکی از مددکاران اجتماعی محله می‌گوید: «موردی داشتیم که برای ساکت کردن نوزاد چهارماهه خودش به او متادون می‌داده و در کنار نوزاد شیشه مصرف می‌کردند که بچه دچار حمله‌های شدید شده بود. هرکاری می‌کردیم که بچه را از مادر بگیریم و او را درمان کنیم قبول نمی‌کرد، بعدا که با او صحبت کردیم به ما گفت بچه پنج میلیون

تومان مشتری داشته است و اگر آن را به ما تحویل می‌داد مشتری بچه از دست می‌رفته، اما به خاطر حال بد کودک مجبور شد و او را به ما داد».

کودکان اجاره‌ای

مسعود، مددکار اجتماعی و بلد محله است، او مسوول شناسایی دروازه غار و لب خط است، خانه‌یی را نشان می‌دهد که یک سال پیش توسط موسسه‌یی خیریه کشف شد و تعداد زیادی بچه را از آنجا نجات می‌دهند، می‌گوید: «سال پیش بود فکر می‌کنم که این خانه را پیدا کردیم، حدود ۴۰ تا ۵۰ بچه در این خانه بودند که هرروز صبح عده‌یی می‌آمدند و آنها را اجاره می‌کردند و دوباره آخر شب آنها را برمی‌گرداندند.» گروه دیگری هستند که در بارداری متوجه می‌شوند که نمی‌توانند از بچه نگهداری کنند و به همین خاطر دنبال خریداری برای فرزند خود می‌روند، اینها امن‌ترین مکان را یا خانه‌هایشان می‌دانند یا بیمارستان ...، این دانشجوی پزشکی که در این بیمارستان کار می‌کند می‌گوید: «در روز حدود سه تا چهار تا از این موارد در بیمارستان داریم، شاید خیلی از آنها در قبال فروش بچه خود اصلا پولی نگیرند و خیلی از آنها کودکان خود را رها می‌کنند و می‌روند».

از طرح ضربتی نا فقر فرهنگی

در لب خط مردها تا آخر شب قمار می‌کنند و زنها کار، فرهنگ زندگی‌شان عجیب است، کودکان آنها هم گاهی اوقات وارد این بازی‌ها می‌شوند و از همان سنین کودکی دست به همه کاری می‌زنند. یکی دیگر از مددکاران اجتماعی می‌گوید اینها از بچه‌ها هر استفاده‌یی می‌کنند و این همان فقر فرهنگی شدیدی است که در میان آنها وجود دارد، با برخورد و طرح‌های ضربتی اینها جمع‌آوری نمی‌شوند، صرفا باید از طریق تغییر خود این بچه‌ها نگذاریم نسل جدیدی از آنها تربیت شود. این گزارش حتی پایانی هم ندارد، پایانی نیست بر مشکلات کودکانی که ناخواسته به دنیا می‌آیند و نمی‌دانند که چه کسانی هستند، بچه‌هایی که هنوز بچگی نکرده پدر شده‌اند، مادر شده‌اند. اما نه می‌دانند خودشان از کجا آمده‌اند نه بچه‌شان به کجا می‌رود. اینجا لب خط است، دروازه غار، اینجا ته خط است برای بچه‌هایی که معامله می‌شوند تا مادرشان بگوید: «فروختمش و پول زندگی را به دست آوردم / چاره‌یی دیگر نداشتم اگر نمی‌فروختم چه کار می‌کردم؟ / نمی‌توانستم نگاهش دارم، آدم در خساری هر کاری می‌کنند / وقتی پول خوبی پیششان می‌کنند دیگر به من چه که بدانم کجا می‌رود.

برگرفته از سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران

صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E-mail: farzam.karbasi@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!